خبر

نعمت‌زاده در انتقاد از شیوه خصوصی‌سازی:

بارد دیون ایمیدرو از منابع مالی تهی شد

• جلسه مجمع عمومی عادی سالانه ایمیدرو در ۱۳۹۴ به ریاست وزیر صنعت، معدن و تجارت و با حضور اعضای مجمع و بازرسان قانونی، برگزار شد و صورت‌های مالی سال مذکور، به تصویب رسید. به گزارش روابط‌عمومی ایمیدرو، جلسه مجمع عمومی سال ۹۴ ایمیدرو، پس از شش سال برای نخستین بار در موعد قانونی آن برگزار شد که از نظر اعضای مجمع، به‌عنوان نکته‌ای حائز اهمیت تلقی می‌شود. این در حالی است که در شش سال اخیر، مجامع عمومی این سازمان با تأخیر چند ماهه برگزار شده بود. در این جلسه، ابتدا گزارش عملکرد سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران از سوی مهدی کرباسیان، رئیس هیأت‌عامل ایمیدرو، ارائه و سپس گزارش بازرس قانونی قرائت شد. در گزارش ارائه‌شده از سوی مهدی کرباسیان، مسیری که ایمیدرو در سال‌های گذشته برای تغییر استراتژی با هدف برون‌رفت از چالش‌های مالی، تحریم و امور بین‌المللی، فعال‌شدن طرح‌ها و... گذرانده است، به استحضار اعضای مجمع رسید. وزیر صنعت، معدن و تجارت در جلسه مجمع عمومی ایمیدرو، گفت: آنچه در سال‌های گذشته به اسم خصوصی‌سازی انجام گرفت، در عمل به مفهوم رد دیون بیش از نیمی از سهام واگذارشده بود آن هم در شرایطی که منابع آن برای اجرا یا اتمام طرح‌ها، در اختیار ایمیدرو قرار داده نشد و سازمان توسعه‌ای مانند ایمیدرو از منابع مالی تهی شد. محمدرضا نعمت زاده افزود: با حمایت مجلس شورای اسلامی در اسفند ۹۲، مصوب شد ۷۰ درصد باقی‌مانده واگذاری‌ها در اختیار سازمان مربوطه قرار گیرد؛ هرچند ارقام آن ناچیز است که برای رفع آن مسئله، نیاز به کمک مجمع عمومی داریم. رئیس هیأت‌عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران نیز در این جلسه ضمن ارائه گزارش عملکرد سال ۹۴ ایمیدرو به مجمع عمومی، گفت: ایمیدرو در سه سال اخیر، ۶۸۵ میلیون دلار از طرح‌های متوقف و نیمه‌تمام را راه‌اندازی کرده و تا یک‌سال آتی نیز بیش از دو میلیارد دلار پروژه را افتتاح خواهد کرد. مهدی کرباسیان با بیان اینکه بیش از هفت میلیارد دلار طرح نیز بعد از دولت یازدهم راه‌اندازی می‌شود، گفت: ایمیدرو در سه سال اخیر ۲.۳ میلیارد دلار طرح جدید نیز تعریف کرده است. وی ادامه داد: در سال ۹۲، حدود ۲۴ هزار میلیارد تومان طرح راکد، نیمه‌تمام و متوقف‌شده داشتیم که اکنون همه این تعداد طرح، فعال شده‌اند؛ ضمن اینکه برخی از این طرح‌ها، افتتاح شده و برخی دیگر نیز تا پایان امسال تکمیل و افتتاح خواهند شد.

تغییر ترکیب ستاد هدفمَندی یَارانه‌ها

• **مهر:** با مصوبه هیأت وزیران، رئیس سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان عضو جدید ستاد هدفمندی یارانه‌ها شد. هیأت وزیران در جلسه ۲۸ شهریور امسال خود، تغییر جدیدی در ترکیب ستاد هدفمندی یارانه‌ها ایجاد کرد. براین‌اساس به پیشنهاد محمد شریعتمداری، معاون اجرائی رئیس‌جمهور، محمود نوابی، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، عضو ستاد هدفمندی یارانه‌ها شد.

تهران میزبان پنجمین همایش و نمایشگاه فرصت‌های سرمایه‌گذاری در معدن

• **ایلنا:** پنجمین همایش و نمایشگاه فرصت‌های سرمایه‌گذاری در معدن و صنایع معدنی ایران که در نوع خود یکی از نمایشگاه‌های بزرگ منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود، از ۱۰ تا ۱۲ مهرماه با حضور ده‌ها شرکت تولیدی و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در تهران برگزار می‌شود. در پنجمین همایش و نمایشگاه فرصت‌های سرمایه‌گذاری در معدن و صنایع معدنی بیش از ۱۶۰ شرکت داخلی و ۴۰ شرکت خارجی به طور مستقیم یا نمایندگان آنها از کشورهای آلمان، دانمارک، برزیل، شیلی، فرانسه، اوکراین، چین، سوئیس، آفریقای جنوبی، نیجریه، اسپانیا، انگلستان و لهستان جدیدترین تولیدات و خدمات خود را ارائه و در معرض دید علاقه‌مندان قرار خواهند داد. این نمایشگاه در سه بخش اصلی اکتشاف، استخراج و فراوری برگزار خواهد شد و در آن انواع صنایع، تجهیزات و ماشین‌آلات معدنی، صنایع معدنی، شرکت‌های مختلف سرمایه‌گذار، مؤسسات مالی و اعتباری و مهندسان مشاور حضور و مشارکت دارند. چند هیأت بازرگانی، تجاری و سرمایه‌گذاری از کشورهای مختلف جهان با حضور در محل مصلای امام خمینی (ره) ضمن بازدید از غرفه‌های نمایشگاهی با تولیدکنندگان، تجار، بازرگانان و صنعتگران معدنی کشورمان وارد مذاکرات تجاری می‌شوند.

زنگنه به دنبال آوانس است

ادامه از صفحه ۵

با توجه به پیش‌بینی شما، اگر قیمت نفت تا ۶۰ دلار برسد، تولید برای شیل‌اویل‌ها صرف خواهد کرد. آن‌وقت بازار از تعادل خارج نمی‌شود؟

قبلا اگر قیمت نفت در بازار در محدوده ۷۰ دلار بود، تولید برای شیل‌اویل‌ها صرف می‌کرد اما اکنون اگر قیمت نفت وارد محدوده ۵۰ دلار شود هم، تولید برای آنها صرفه خواهد داشت. مثلا سال ۲۰۱۴، ۱.۶ میلیون بشکه تولید شیل بالا رفته، اما این اتفاق دیگر رخ نخواهد داد. در سال جاری میلادی، تولید شیل در آمریکا ۵۰۰ هزار بشکه کم شده و کم‌کم سالی ۲۰۰، ۳۰۰ بشکه بالا خواهد رفت.

با این اوصاف خطری برای اوپکی‌ها نیست؟

خیر، اما اگر قیمت به ۷۰ دلار برسد، خطر قبلی برمی‌گردد، ولی با قیمت ۵۰، ۶۰ دلار شیل وارد بازار می‌شود، اما نه تا حدی که بازار را از بین ببرد. اگر قیمت به ۷۰ دلار برسد رشد بزرگی خواهد داشت و کمر بازار نفت را می‌شکند.

نظر شما در این باره که گفته می‌شود اوپک دیگر خاصیت گذشته را ندارد، چیست؟

اوپک هنوز هم می‌تواند خیلی تأثیرگذار باشد، فقط دوره تغییر کرده است. نقش اوپک اکنون مثل سابق نیست. درحال‌حاضر در دنیا بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت خام و میعانات گازی آمریکا، روسیه و عربستان هستند. تولید روسیه ۲.۵ برابر ایران است. پس در دنیای امروز اوپک قدرت زیادی ندارد. در گذشته اوپک بازیکن اصلی بود، اما اکنون بازیکنان زیادی در این زمینه هستند. به‌ویژه اینکه بازیکنان اول و دوم دنیا جزء اوپک نیستند. درحال‌حاضر اوپک نقش تثبیت‌کننده دارد نه تعیین‌کننده قیمت. اوپک نمی‌تواند قیمت تعیین کند، اما کاری که می‌تواند تا آخر سال آینده بکند، این است که در بازار نوار ۱۰ دلاری اعلام کند. به‌عنوان مثال نوار قیمت بین ۵۵ تا ۶۵ دلار. اگر قیمت بالای ۶۵ دلار برود، تولید را زیاد کند و اگر قیمت کمتر شد تولید را کم کند که دنیا بتواند بر این مبنا سرمایه‌گذاری و تولید کند، اما برای اینکه اوپک بتواند دوباره قیمت‌گذاری کند دیگر دیر شده است.

اما این‌گونه که پیداست، در خط مشی هم هماهنگی بین اعضای اوپک وجود ندارد.

هماهنگی وجود ندارد، اما اگر هماهنگی وجود داشت هم فایده‌ای نداشت. درباره تعیین نوار ۱۰دلاری، عربستان باید تصمیم بگیرد و بقیه هم بگویند ما مخالف نیستیم. کدام کشور است که اکنون می‌تواند تولید نفت خود را بالا و پایین ببرد؟ فقط عربستان است. ایران اکنون تقریبا در حداکثر تولید خود به سر می‌برد و اگر به حداکثر برسد دیگر قدرت بازی ندارد و فقط عربستان است که قدرت بازی دارد. عربستان گفته حاضرم نقش قبلی را بازی کنم. باز هم تقاضا ۱.۵ میلیون بشکه بیشتر خواهد شد. به هر حال بخشی از نفتی که ذخیره شده، باید استفاده شود. اگر کشورهای اوپک با این تصمیم موافق نباشند، عربستان این کار را نخواهد کرد. به نظرم فقط عربستان در مورد نوار می‌تواند تصمیم بگیرد و چنین خواهد کرد. کشورهای اوپک هم دنباله‌رو آن خواهند بود. باید نواری تعیین شود که اوپک بتواند از بالا و پایین نوار قیمت‌گذاری دفاع کند.

با توجه به اختلافات ایران و عربستان، به عقیده شما ایران از نوار قیمتی که عربستان آن را ایجاد کند، تبعیت خواهد کرد؟

ایران درباره سیاست‌های نفتی با عربستان اختلاف ندارد. اختلاف ما سیاسی است. درباره نفت همه می‌خواهند بهترین فروش را داشته باشند، اما ایران بازارش را مثل قبل به دست گرفته است و بیشتر از این نمی‌تواند کاری انجام دهد.

اما باز هم آقای زنگنه اعلام می‌کنند که در نشست الجزایر موضع ایران همان دستیابی به سهم ازدست‌رفته است و همچنان به افزایش تولید و صادرات نفت اصرار دارند.

ایران درحال‌حاضر به حداکثر تولید رسیده که ۳.۸ میلیون بشکه است. قبلا هم که چهار میلیون بشکه اعلام شده بود، با احتساب میعانات گازی بود. درحال‌حاضر ایران بیشتر از قبل از تحریم نفت صادر می‌کند. قبل از تحریم ۲۰۰ هزار بشکه میعانات گازی صادر می‌کرد و اکنون ۵۰۰ هزار بشکه. درواقع اکنون ایران ۴.۳ میلیون بشکه تولید می‌کند. بنابراین ایران به جایگاهش رسیده و اگر بخواهد میزان تولید را بالا ببرد با آی‌پی‌سی پنج سال طول می‌کشد. بنابراین ایران به خواسته خود دست یافته است و به‌همین‌دلیل حاضر است برای تثبیت تولید و قیمت در بازار در کنفرانس الجزایر حاضر شود. فقط عربستان است که می‌تواند یک میلیون بشکه کمتر یا بیشتر تولید کند. عربستان است که می‌تواند بگوید فریز نمی‌کنم و اگر فریز کنم باید کشورهای دیگر هم همراهی کنند. در حقیقت فقط یک کشور این قدرت را دارد که تولید را افزایش یا کاهش دهد و آن عربستان است. کنفرانس الجزایر فقط یک کنفرانس حاشیه‌ای است و کشورهای اوپک در آنجا جمع می‌شوند و تصمیمی گرفته نمی‌شود. کنفرانس اوپک در ماه‌های ژوئن و دسامبر است و فقط در آن کنفرانس تصمیم‌گیری اتفاق می‌افتد.

این کنفرانس به کل نمی‌تواند بازار نفت را تحت‌تأثیر قرار دهد؟

همین اظهارنظرها درباره فریز نفتی، یکی، دو دلار قیمت نفت را بالا برده است. صحبت کشورهای اوپک با هم برای بازار خوب است، اما امکان ندارد با هم توافقی بکنند. توافق بر سر افزایش قیمت نفت هم اتفاق نمی‌افتد. قیمت که بالا برود شیل وارد بازار می‌شود و قیمت‌ها را در بازار نفت می‌شکند که به نفع اوپکی‌ها نیست. کشورهای اوپک باید در سال آینده در یک نوار قیمتی توافق کنند و به نظرم، خودبه‌خود این کار انجام داده خواهد شد. یعنی اوپک هنوز نقش دارد اما نقش تعیین‌کننده قیمت ندارد. کنفرانس الجزایر فقط به بازار اعتماد می‌دهد.

اصرار آقای زنگنه شاید برای این باشد که می‌خواهد موضع ایران را قدرتمند نشان دهد. اگر ایشان بر افزایش سهم و نه فریز نفتی در این کنفرانس باز هم اصرار داشته باشند، تکلیف چیست؟

اکنون کسی یادش نیست چه کسی چه سهمی دارد. ایران به شرایط قبل از تحریم رسیده، اما از آنجا که کسی به یاد ندارد سهم ایران چقدر بوده، باز هم روی سهم تکیه دارند. من هم جای آقای زنگنه بودم همین را می‌گفتم. زنگنه می‌گوید به من آوانس بدهید تا سهمیه را کنار بگذارم. ممکن است ایران بتواند آوانس‌های کوچک بگیرد اما سهمیه‌گذاری برای بازار نفت درحال‌حاضر غیرممکن است. خیلی کشورها از سهمیه خود عبور کرده‌اند و حاضر به گفت‌وگو نیستند. دیگر احتیاجی هم به سهمیه‌بندی نیست. چون سهمیه زمانی مهم است که قرار باشد بالاوپایین شود که قیمت نفت تغییر کند. اکنون اوپکی‌ها متوجه شدند اگر تولید نفت را کاهش دهند و قیمت را بالا ببرند، رقبا (شیل‌اویل‌ها) وارد بازار می‌شوند و آنها را نابود می‌کنند. بعد از تحریم، ایران یک میلیون بشکه در روز تولید داشت. اگر این میزان صفر بود بقیه دنیا متوجه نمی‌شدند. آقای زنگنه این موضوع را می‌داند که اگر تولید ما خیلی کم شود، گم می‌شویم. یک عده فکر می‌کنند اگر صادرات ایران صفر شود، دنیا به هم می‌خورد اما این‌طور نیست. در بازار باید بازی‌کننده بود که حرفی برای گفتن وجود داشته باشد. ایران سهم خودش را گرفته است.

مخالفان از روی نادانی با قراردادهای نفتی مخالفت می‌کنند. تصور می‌کنند می‌توانند خودشان این کار را انجام دهند. تولید از چاه‌های بزرگ ایران را فقط شرکت‌های آمریکایی و چهار شرکت اروپایی (شل، توتال، انی و بی‌پی) می‌توانند انجام دهند. شرکت‌های چینی و هندی قادر به انجام‌دادن این پروژه‌ها نیستند

آقای زنگنه می‌خواهد سهمیه را بگیرد اما نمی‌تواند تولیدش را بیشتر کند. نهایتا ۵۰ تا صد هزار بشکه افزایش تولید داشته باشد. هر سال تولید نفت سقوط طبیعی دارد، اما در زمان تحریم سقوط تولید نفت در ایران، طبیعی نبوده است، زیرا چاه‌های نفت را بسته بودند. درحال‌حاضر ایران نیاز به سرمایه‌گذاری مبرم دارد. اگر کسی سرمایه‌گذاری نکند تولید نفت ایران به‌طور طبیعی به قبل از تحریم سقوط خواهد کرد. بنابراین موضوع قرارداد آی‌پی‌سی برای ایران حیاتی است. اگر این قرارداد راه نیفتد، تولید نفت در ایران سقوط خواهد کرد و همه حرف‌های زنگنه در این باره درست است.

قراردادهای جدید نفتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قراردادها محرمانه هستند و ما از طریق شرکت‌های نفتی از جزئیات آن مطلع می‌شویم. به نظرم قراردادها خوب هستند و کسانی که در ایران از آن انتقاد می‌کنند بی‌اطلاع هستند و روی هوا از آن انتقاد می‌کنند. این قراردادها هم انگیزه کافی به شرکت‌های نفتی برای سرمایه‌گذاری می‌دهد و هم تمام منافع ایران را حفظ می‌کند. اگر این قراردادها نباشد صادرات نفت ایران سقوط کرده و به صفر می‌رسد و ایران از بازار نفت خارج می‌شود. کسانی که مخالف این قراردادها هستند، می‌خواهند آینده نفتی ایران را از بین ببرند.

به نظرتان مخالفان با قراردادها با هدف خاصی این کار را می‌کنند؟

خیر از روی نادانی است. تصور می‌کنند می‌توانند خودشان این کار را انجام دهند. تولید از چاه‌های بزرگ ایران را فقط شرکت‌های آمریکایی و چهار شرکت اروپایی (شل، توتال، اِنی و بی‌پی) می‌توانند انجام دهند. شرکت‌های چینی و هندی قادر به انجام‌دادن این پروژه‌ها نیستند. تولید نفت از چاه‌های بزرگ نفتی ایران، پروژه‌های ۱۰ میلیارد دلاری هستند و از آنجاکه با آمریکایی‌ها کار نمی‌کنیم، اکنون این چهار شرکت اروپایی می‌توانند در این سطح کار کنند. ایران باید درها را به روی این شرکت‌ها باز کند وگرنه سقوط خواهد کرد و وضعیت نفتی ایران از قبل تحریم‌ها هم بدتر می‌شود.

اگر قراردادهای نفتی را جدی نگیریم و به همین نحو ادامه دهیم، در چه بازه‌ای سقوط نفت ایران رخ خواهد داد؟

اگر در بازار را ببندیم و اجازه سرمایه‌گذاری به کسی ندهیم احتمالا بین سه تا پنج سال آینده به قبل از تحریم برخواهیم گشت و به عدد تحریم که یک میلیون بشکه بود خواهیم رسید. سه چهار سال پس از آن هم، صادرات نفت ایران صفر خواهد شد. توجه داشته باشید که تولید نفت ایران سالانه ۳۰۰، ۴۰۰ هزار بشکه افت طبیعی دارد و ایران باید هر سال با سرمایه‌گذاری این میزان را افزایش دهد که جای افت طبیعی گرفته شود. افت طبیعی در کشورهای دیگر هم هست اما با سرمایه‌گذاری این افت جانشین می‌شود. اگر این افت جایگزین نشود و دست‌وپای آقای وزیر بسته شود و سرمایه‌گذاری صورت نگیرد، در واقع ایران را محکوم کرده‌ایم که از دنیای نفت از لحاظ سیاسی و اقتصادی خارج و به بازیکن صفر تبدیل شود، زیرا نفت برای ایران قدرت به همراه می‌آورد.

در قراردادهای جدید نفتی تأکید بر میادین مشترک وجود دارد. به نظرتان اولویت باید با کدام میدان باشد؟

شرکت‌های نفتی بعضی از میادین را انتخاب کرده‌اند. به‌عنوان نمونه آزادگان میدان مشترک است. پارس جنوبی هم مشترک است اما ایران خودش این کار را انجام می‌دهد. در ایران اتکا بر منابع مشترک وجود دارد اما به نظرم اتکا باید بر منابعی باشد که زودتر بتوانند تولید را بالاتر ببرند. اینکه همسایگان از میادین مشترک استفاده می‌کنند، باید در اولویت دوم باشد. اولویت اول باید این باشد که کجا می‌توانیم یک دلار خرج کنیم و بهره‌وری بهتر داشته باشیم. در اهواز به‌راحتی می‌توانیم این کار را انجام دهیم.

یعنی به فکر میادین مشترک نباشیم؟

در ایران همیشه نگران هستند که همسایه حق ما را نبرد و تأکیدمان بر این موضوع است. آقای وزیر هم بر این موضوع کاملا تأکید دارد. اما به نظر من، از نظر منطقی نباید مدام به میادین مشترک و بهره‌برداری همسایه فکر کنیم، چون این چاه‌ها ۳۰، ۴۰ سال دیگر عمر خواهند کرد. عراق با ایران در آزادگان میادین مشترک دارد، اما این کشور آن‌قدر درگیر است که از آزادگان برداشتی نمی‌کند. اتکای ما باید این باشد که کجا می‌توانیم سرمایه‌گذاری کنیم و بازگشت خوبی داشته باشیم. شرکت‌های نفتی اکنون محل‌های سرمایه‌گذاری را انتخاب کرده‌اند.

قراردادها محرمانه هستند و ما از طریق شرکت‌های نفتی از جزئیات آن مطلع می‌شویم. به نظرم قراردادها خوب هستند و کسانی که در ایران از آن انتقاد می‌کنند بی‌اطلاع هستند و روی هوا از آن انتقاد می‌کنند. این قراردادها هم انگیزه کافی به شرکت‌های نفتی برای سرمایه‌گذاری می‌دهد و هم تمام منافع ایران را حفظ می‌کند. اگر این قراردادها نباشد صادرات نفت ایران سقوط کرده و به صفر می‌رسد و ایران از بازار نفت خارج می‌شود. کسانی که مخالف این قراردادها هستند، می‌خواهند آینده نفتی ایران را از بین ببرند

اطلاع دارید شرکت‌های نفتی کدام مناطق را انتخاب کرده‌اند؟

اطلاع دارم اما رسما باید اعلام شود. هر کدام از این شرکت‌ها فهرستی تهیه کرده‌اند که کدام مناطق را می‌خواهند و شرکت نفت هم مناطق موردمذاکره را اعلام کرده است. بعضی از این مناطق هم مشترک هستند و بعضی نیستند. راهی که وزارت نفت در پیش گرفته، درست است. هم روش صحیح است، هم فکر و هم عملکرد اما انتقادها زیاد است. در ایران نیستم اما متعجبم مخالفان به جای اینکه از این سیستم حمایت کنند، چرا مدام انتقاد می‌کنند!

شاهزاده عربستان به چین و ژاپن سفر کرده و گویا در دیدارها درباره فروش بخشی از سهام آرامکو، مذاکراتی داشته است. به نظر شما فروش بخشی از سهام آرامکو اتفاق خواهد افتاد و اگر چنین شود، تأثیری روی تولید نفت این کشور و به تبع آن، بازار نفت خواهد داشت؟

این حرف کلا اشتباه است. آرامکو نمی‌تواند سهام خودش را بفروشد. شما اگر بخواهید منابع زیر زمین را بفروشید، باید از نقطه‌نظر شرکت‌های بین‌المللی تأیید شده باشد. در خاورمیانه تمام منابع نفتی ایران، عربستان، کویت و عراق همه ارقامی هستند که دولت‌ها اعلام می‌کنند و هیچ‌کدام از نظر شرکت‌های بین‌المللی تضمین و گواهی نشده‌اند. بنابراین نمی‌توانید این منابع زیرزمینی را بفروشید. یعنی اجازه ندارید آنها را وارد بورس کنید. وقتی قرار است وارد بورس کنید، باید گواهی و تضمینی داشته باشید. بنابراین عربستان می‌تواند آرامکو را در عربستان به بورس ببرد و بفروشد. سهامی که در داخل عربستان به فروش گذاشته می‌شود، حداکثر تا پنج درصد خواهد بود. ممکن است تا ۱۰ درصد هم به پارتنر جدیدی مانند یک شرکت چینی یا آمریکایی فروخته شود، اما تا جایی که اطلاع دارم، فروششان روی منابع زیرزمینی نخواهد بود و بیشتر درباره پالایشگاه و پتروشیمی خواهد بود.

پس این سفرها به چه دلیل است؟

چین و ژاپن اولویت‌های اول و دوم عربستان برای فروش نفت خام هستند. البته خریداران ژاپنی، بخش خصوصی و در چین دولتی هستند. در ژاپن باید شرایط و قیمت‌ها مناسب باشد. در چین هرچه دولت بگوید آنها هم خریداری می‌کنند. از وقتی شاهزاده عربستان رئیس کل امور نفتی شده، اولین سفرش را به خارج از عربستان انجام داده است تا نشان دهد با اینکه جوان است اما قدرت زیادی دارد و بازیکن اصلی بازار نفت است.

چین یکی از بزرگ‌ترین خریداران نفت از ایران است. ممکن است قرارداد بین عربستان و چین به خرید نفت بیشتر چین از عربستان و کاهش خرید نفت از ایران منجر شود؟

اکنون عربستان به دنبال آن است که فروشش را تثبیت کند نه اینکه فروش بیشتری داشته باشد. در واقع عربستان می‌خواهد فروشش را از دست ندهد و بازارش را روی صادرات ۱۰.۶ میلیون بشکه در روز نگه دارد. در این شرایط حتی ایران تمایل به فریز دارد تا صادرات نفت عربستان به ۱۰.۲ میلیون بشکه در روز بازگردد. به نظرم اینکه نگران باشیم ایران بازارش را از دست بدهد، درست نیست. ایران بازیکن کوچکی است. آقای قمصری که صادرکننده نفت ایران است، فرد معروف و قدرتمندی در بازار به شمار می‌رود که توانسته به‌راحتی نفت ایران را بفروشد و امکان اینکه بازاری از دست بدهند، نیست. آنها خیلی قوی وارد بازار شده‌اند و مورد احترام بازار هستند.

ایران در حوزه خزر هم امکان بهره‌برداری از نفت را دارد اما در آنجا اتفاقی نمی‌افتد و چهار کشور دیگر در حال برداشت از این حوزه هستند. به عقیده شما ایران چه زمانی در این حوزه برداشت خواهد داشت؟

خزر در ایران اولویت بالایی نداشته چون فشارها همواره در جنوب ایران در بخش کارون غربی بوده است. بعضی شرکت‌های نفتی به خزر علاقه‌مند هستند و خواسته‌اند کاری انجام دهند، اما علائم مثبتی دریافت نکرده‌اند. وزارت نفت باید مشخص کند آیا خزر را برای سرمایه‌گذاری می‌گشاید یا نه. اگر سرمایه‌گذاری بیرونی در این زمینه اتفاق نیفتد و باز هم اصرار بر فعالیت خودمان در این حوزه داشته باشیم، پیشرفتی نخواهیم داشت، اما شرکت‌های خارجی هستند که درخواست داده‌اند. همان شرکت‌هایی که در آذربایجان و کشورهای مشترک دیگر کار می‌کنند، مایل به کار در ایران هم هستند اما ایران همیشه هدفش این بوده که با شرکت نفت خزر، خود کار کند، اما پیشرفت چشمگیری هم نداشته است. به نظرم در این زمینه راه پیشرفت وجود دارد اما ایران باید یک تصمیم سیاسی بگیرد تا بتواند از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده کند.

گره کار کجاست؟ مشکل ما با روسیه است؟

از مشکلات سیاسی اطلاع ندارم اما مشکلات فنی و اقتصادی حل‌شدنی هستند. ایران باید خزر را هم در فهرست سرمایه‌گذاری قرار دهد، زیرا متقاضی دارد اما در کل علامت مثبتی در این زمینه دریافت نشده است.

سهمی که برای ایران تعیین شده ۱۴ درصد است اما ایران خواهان سهم ۲۰ درصدی است. به نظرتان ممکن است اولویت ایران تثبیت میزان سهم باشد؟

گفتنش سخت است. به نظرم ایران می‌تواند سهمش را هر چقدر هم که کم باشد، به پول تبدیل کند. به هر حال سود اندک بهتر از سود هیچ است. موضع سیاسی و ملی را در این زمینه نمی‌دانم اما با همان سهم ۱۳، ۱۴ درصد هم می‌توان کارهای بسیاری انجام داد.

اخیرا در پتروشیمی‌های ایران آتش‌سوزی‌های زیادی رخ می‌دهد. در خارج از کشور هم دراین‌باره صحبتی می‌شود؟

در ایران گفته می‌شود این اتفاقات به خاطر حمله و توطئه است اما در خارج گفته می‌شود اتفاقی بوده و نبود سرمایه‌گذاری باعث شده این اتفاقات رخ دهد. سرمایه‌گذاری بهتر و ساختن زیربنای بهتر باعث جلوگیری از این آتش‌سوزی‌ها خواهد شد. در اینجا این حرف وجود ندارد که توطئه مخالفان و خارجی‌ها در کار است.

اینکه می‌گویند عربستان از این اتفاقات خوشحال است، چطور؟

در ایران می‌خواهند هر چیز منفی درباره عربستان را بزرگ کنند، اما من در اینجا در این مورد چیزی نشنیده‌ام.

ادامه از صفحه ۵

ایران و طرح فریز نفتی

از حیث بازاریابی و تجاری، مشخصات شیمیایی نفت سبک ایران شبیه نفت کرکوک عراق و اورال روسیه است. در زمان تحریم، جایگاه نفت ایران در بازار نفت عمدتا از سوی این کشورها به همراه عربستان «اشغال» شد و بازگشت ایران به بازار نفت خوشایند این کشورها نبود. برخی از کشورها برای حفظ سهم خویش در بازار جهانی نفت اقدام به دادن تخفیف ویژه به برخی مشتریان خویش (و در برخی موارد به مشتریان سایر کشورها) کردند. زمستان سال ۲۰۱۶ وقتی عربستان برای مشتریان اروپایی روسیه (از قبیل مجارستان و لهستان) نفت با بهای ارزان فروخت، با واکنش منفی روسیه مواجه شد. ایران نیز سیاست مشابهی اتخاذ کرد و برای مشتریان اروپایی خویش تخفیف‌های ویژه‌ای در نظر گرفت. با اینکه ایران رسما اظهار کرده که در این اجلاس مشارکت خواهد کرد ولی مشخص نیست در قبال تصمیمات این اجلاس چه واکنشی خواهد داشت. اولویت اول ایران کسب جایگاه ازدست‌رفته خویش در بازار نفت است و اگر طرح فریز نفتی جدید تصویب شود، باید به این نکته توجه شود که بقیه کشورها باید میزان تولید نفت خویش را به حدود سال ۲۰۱۱ (یعنی پیش از تحریم نفتی ایران) برسانند. ایران موقعی از ثمرات برجام منتفع خواهد شد که بتواند جایگاه خویش را پیدا کند و به بازیگر عرصه نفت مبدل شود. با اینکه کشورهای زیادی بر ضرورت و اهمیت طرح فزیر نفتی تأکید دارند اما باید دید کشورهای عمده تولیدکننده نفت اوپک و غیراوپک مانند عربستان سعودی، عراق و روسیه چه واکنشی به این طرح نشان خواهند داد. ذکر این نکته لازم است که عراق برنامه بلندپروازانه‌ای برای افزایش تولید نفت خویش در سر دارد. دولت عراق در هفته‌های اخیر از شرکت‌های خارجی خواسته میزان تولید نفت را افزایش دهند و برنامه سرمایه‌گذاری ۱۰میلیارددلاری را تدارک دیده و در پی جذب سرمایه‌گذار است. شرایط قراردادهای نفتی این کشور و هزینه ارزان تولید نفت، عملا شرکت‌های خارجی را به سرمایه‌گذاری در میادین نفتی عراق ترغیب کرده است. شرایط کنونی سایر تولیدکننده‌ها نیز پیچیده است. عربستان سعودی از حربه تولید اضافه نفت برای مقابله با ایران در عرصه‌های بین‌الملل استفاده کرده و بعید نیست این سیاست را ادامه دهد. روسیه نیز با تولید روزانه بیش از ۱۰ میلیون بشکه در روز قصد ندارد سهم خویش را در بازار نفت از دست بدهد. نوسانات قیمت نفت بر تولید نفت نامتعارف آمریکا (شیل اویل) تأثیر منفی گذاشته و باعث شده در ماه‌های اخیر از تعداد دکل‌های حفاری در برخی ایالت‌های آمریکا کاسته شود (چراکه با قیمت‌های فعلی نفت، تولید نفت نامتعارف مقرون به صرفه نیست). بازار نفت با توجه به شرایط فوق و برنامه‌ریزی کشورهای عمده صادرکننده نفت برای افزایش تولید و همچنین تغییر سیاست فروش نفت و اعطای تخفیف‌های ویژه به مشتریان، باید شاهد تحولات عمده‌ای در ماه‌های اخیر باشد.

پنجره واحد خدمات شهری و اجتماعی ضرورتی مغفول

کلمه کلیدی این تعاریف، موضوع خدمات شهری است. خدمات شهری ابعاد مختلفی مانند خدمات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، زیست‌محیطی و... دارد؛ در نتیجه مدیریت شهری برای ارائه عادلانه این خدمات در جهت ایجاد رفاه عمومی و جلب رضایت شهروندان ملزم به استفاده از علوم مختلف و حضور در حوزه‌های متنوع خواهد بود. باید توجه داشت، آنچه در ایجاد و مدیریت پنجره واحد خدمات شهری موردتوجه مؤکد است، نقش مردم به‌عنوان کانون تصمیم‌گیری برای چگونگی شکل‌گیری و عملکرد این پنجره واحد است. این نیازهای مردم هر شهر است که ساختار و چارچوب بومی پنجره واحد خدمات مدیریت شهری آن را مشخص می‌کند. بنابراین، پنجره واحدی در مدیریت خدمات شهری موفق خواهد بود که بتواند ارتباط متقابل و تعاملی مناسبی با مردم داشته باشد؛ چراکه مردم و شهروندان در دو نقش تأمین‌کننده نیازها و دریافت‌کننده خدمات مدیریت شهری می‌توانند باعث موفقیت یا شکست یک پنجره واحد خدمات شهری باشند. در مرحله اجرا و پیاده‌سازی پنجره واحد خدمات شهری باید توجه کرد تمام پنجره‌های واحد با سه شکل می‌توانند وجود داشته باشند: ۱- پنجره‌های واحد فیزیکی یا ایستگاه‌های کاری واحد (physical one stop shop) که در این شکل از پنجره‌های واحد، تمام بازیگران ارائه‌دهنده یک خدمت در یک مکان فیزیکی دور یکدیگر جمع می‌شوند. ۲- پنجره‌های واحد الکترونیکی (Digital Single Window) که تمام بازیگران ارائه‌دهنده یک خدمت از طریق تبادل دیتای الکترونیکی، یک خدمت را از طریق شبکه‌های الکترونیکی مانند اینترنت در اختیار مردم می‌گذارند. ۳- پنجره‌های واحد تلفیقی که در این مدل از پنجره‌های واحد یک دفتر فیزیکی به‌عنوان پیشخوان ایجاد می‌شود، نقش واسطه بین فضای الکترونیکی و دنیای واقعی را بازی می‌کند؛ از نمونه‌های این نوع پنجره واحد می‌توان به دفاتر خدمات الکترونیک شهر، دفاتر پلیس +۱۰، دفاتر پیشخوان دولت و نمونه‌هایی از این‌دست اشاره کرد. نوع سوم از پنجره واحد که مدل تلفیقی است، مرحله گذار بین دو شکل دیگر توضیح داده شده است؛ در کشورهای درحال‌توسعه مانند ایران که به تأیید هویت متقاضی خدمت یا به دلایل مختلف دیگر به حضور متقاضی در یک فضای فیزیکی نیاز است، این نوع از پنجره واحد رواج بیشتری دارد.